

■ بررسی اسنادی اختلاف دولت ایران و عثمانی بر سر خزائن
عتبات عالیات در دوره احمدشاه قاجار

سید مسعود سیدبنکدار

■ چکیده

هدف پژوهش: این تحقیق بر آن است تا با استفاده از اسناد منتشر نشده و سایر منابع تاریخی به روشن ساختن اختلافات دولت ایران و عثمانی بر سر خزائن عتبات عالیات در دوره احمدشاه قاجار و اقدامات دولت ایران برای جلوگیری از عملی شدن اهداف دولت عثمانی برای تصاحب این خزائن ارزشمند بپردازد.

روش / رویکرد پژوهش: روش تحقیق پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای و تطبیق و تحلیل منابع موجود، به خصوص منابع اسنادی است. در این تحقیق تاریخی، پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم، به سازماندهی اطلاعات و تجزیه و تحلیل و سرانجام استنتاج آنها پرداخته شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: دولت عثمانی، به دنبال دستیابی به منابع مالی، به فکر تصاحب خزائن عتبات عالیات افتاد. در مقابل، دولت ایران، که خود را به عنوان دولتی شیعه در این موضوع ذی‌حق می‌دانست، با توسل به راهکارهای دیپلماتیک و با همکاری و همراهی علمای شیعه عراق از اجرا شدن برنامه‌های دولت عثمانی در این زمینه جلوگیری کرد.

کلیدواژه‌ها

عتبات عالیات / جواهرات / ایران / عثمانی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و چهارم، دفتر چهارم، (زمستان ۱۳۹۳) ۲۶، ۳۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۷ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۰

بررسی اسنادی اختلاف دولت ایران و عثمانی بر سر خزائن عتبات عالیات در دوره احمدشاه قاجار

سیدمسعود سیدبنکدار^۱

مقدمه

مجموعه بسیار ارزشمندی از جواهرات و نفایس موجود در خزائن عتبات عالیات نجف و کربلا، حاصل قرن‌ها نذورات و هدایایی است که به‌اشکال گوناگون به این مشاهد متبرکه اهدا شده است. بخش اعظم این خزائن، از طرف فرمانروایان و مردم ایران، از دوره آل بویه به بعد، به‌خصوص در دوره‌های صفویه، افشار، زند و قاجار اهدا شده‌اند. به‌همین واسطه، دولت‌های ایران همیشه در مورد صیانت از این خزائن خود را ذی‌حق می‌دانستند. درحالی‌که، در دوره صفوی و دوران پس از آن، بخش اعظم این مناطق در قلمرو عثمانی قرار داشت، دولت‌های ایرانی کماکان بر حق خود نسبت به نظارت بر خزائن عتبات عالیات اصرار می‌ورزیدند. این ادعاهای دولت‌های ایرانی بیشتر جنبه مذهبی داشت، زیرا تولید این اماکن با علمای شیعه‌ای بود که ارتباطات نزدیکی با دولت شیعی ایران داشتند. بر همین اساس، دولت ایران همواره توجه و حساسیت خاصی نسبت به این خزائن داشت و اجازه دخل و تصرف به دولت عثمانی نمی‌داد.

باوجوداین، در اوایل دوره احمدشاه، به‌واسطه جریانات پس از انقلاب مشروطه، که منجر به تضعیف دولت قاجار و کاهش نظارت آن دولت در عتبات عالیات شد، دولت عثمانی از فرصت استفاده کرد تا این خزائن را با دستاویزهایی تصاحب نمایند.

این پژوهش، ضمن بررسی روند شکل‌گیری خزائن عتبات عالیات و سهم سلسله‌های ایرانی در غنی شدن این خزائن ارزشمند، با اتکا بر اسناد نویافته، درصدد پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. استادیار تاریخ دانشگاه اصفهان،
اصفهان، ایران
masoudbonakdar@yahoo.com

۱. دولت ایران چگونه از تصمیم دولت عثمانی برای تصاحب خزائن عتبات آگاه شد؟
۲. واکنش و راهکارهای دولت ایران برای مقابله با تلاش‌های دولت عثمانی برای تصرف این گنجینه‌ها چه بود؟
۳. رویکرد علمای شیعه عراق در برابر اقدام دولت عثمانی چگونه بود؟

روند شکل‌گیری خزائن عتبات عالیات

از زمان بنای مقبره ائمه شیعه (ع)، شیعیان و دوستان ایشان هدایای ارزشمندی به اشکال گوناگون به این اماکن مقدسه اهدا می‌نمودند. در این روند، سهم سلسله‌های ایرانی در غنا بخشیدن به این خزائن بیش از شیعیان سایر سرزمین‌های اسلامی بوده است. این جریان، با شکل‌گیری نخستین دولت شیعی در ایران آغاز شد. محمدبن زید علوی، ملقب به داعی صغیر، ساختمان‌هایی را بر مرقد امام علی (ع) و سایر مشاهد متبرکه بنا کرد (ابن اسفندیار، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۲۴). با روی کار آمدن دولت شیعی مذهب آل‌بویه در قرن چهارم، مراقد ائمه شیعه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. عضدالدوله دیلمی، یکی از امرای قدرتمند آل‌بویه، توجه زیادی در امر عمران و آبادی این مراقد مبذول داشت. وی، بر قبور امام علی (ع)، امام حسین (ع)، و حضرت عباس (ع) بناهای باشکوهی احداث کرد. جدا از مبالغی که وی صرف ساخت این بناها نمود، مبالغ زیادی هم صرف تزئینات داخلی حرم‌های متبرکه کرد (قایا، ۲۰۰۸، ص ۲۵).

با به قدرت رسیدن دولت شیعه مذهب صفوی در ۹۰۷ ق، اقدامات جدی‌تر و سازمان‌یافته‌تری برای عمران و بازسازی این اماکن انجام شد و علاوه بر آن، نذورات و هدایای ارزشمندی از قبیل اشیای زرین و سیمین و جواهرنشان، فرش‌ها، و منسوجات گرانبها از طرف پادشاهان و مقامات سیاسی و سایر اقشار اجتماعی ایران به این اماکن مقدس اهدا شد. این اقدامات، به منظور نشان دادن علاقه و ارادت این افراد (بانیان و واقفان) به ائمه شیعه (ع) و جلب قلوب دوستان ائمه شیعه انجام می‌پذیرفت. با گذشت زمان، حجم قابل توجهی از نفایس و جواهرات در مراقد ائمه جمع‌آوری و خزائنی برای نگهداری و صیانت از این نذورات ایجاد شد.

در منابع تاریخی این دوره، موارد متعددی از هدایای تقدیمی پادشاهان و خاندان صفوی ذکر شده است. برای نمونه، شاه اسماعیل اول، در نخستین سفر خود به عتبات عالیات، قنادیل زرین مرصع و پرده‌های زربفت گرانبهایی به حرم‌های مطهر تقدیم نمود (حسینی جناب‌دی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۱؛ جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴، ص ۲۸۶؛ عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴، ص ۱۶۸؛ امینی هروی، ۱۳۸۳، صص ۳۰۱-۳۰۴؛ اسکندر بیگ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۴؛ یحیی بن عبدالطیف قزوینی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۹). جانشین او،



شاه طهماسب اول، و دخترش زینب بیگم، هم هدایا و مرصع آلات باارزشی روانه عتبات عالیات نمودند (الحسینی القمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۹۸؛ قایا، ۲۰۰۸، صص ۱۵۳ و ۱۵۵). شاه عباس اول، همه جواهرات سلطنتی خود را وقف خزانه حضرت امیر (ع) نمود، هر چند شاهی در دست نیست که همه آنچه وی وقف نموده است به حرم حضرت فرستاده شده باشد. با وجود این، شواهدی در دست است که نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از این جواهرات توسط شاه عباس به خزانه فرستاده شده است (ولی قلی شاملو، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۴؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴، ص ۳۸؛ ملاجلال الدین منجم، ۱۳۶۶، ص ۳۴۲؛ سعادی، بی تا، ص ۲۰۴).

سایر پادشاهان صفوی (شاه صفی، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین) نیز هدایای نفیس و جواهرات گرانبهائی برای خزائن مشاهده متبرکه در عراق فرستادند (مستوفی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۷؛ ناصرالدین شاه، ۱۳۷۲، صص ۲۳۹، ۲۳۷ و ۲۴۸؛ مرعشی صفوی، ۲۶، ۱۳۶۲ و ۲۷)؛ چنانکه در دیدار ناصرالدین شاه از خزانه حضرت امیر (ع)، قطعات زیادی از این جواهرات در سیاه برداری پادشاه ایران مشهود است و به نظر می‌رسد گرانبهاترین جواهراتی که به حرم حضرت امیر (ع) و سایر خزائن ائمه اطهار در عراق هدیه شده همین‌ها بوده باشد. این جواهرات، در نتیجه فتح هندوستان به عنوان غنیمت جنگی به دست نادرشاه رسیده بود. پس از بازگشت به ایران مبلغ زیادی سکه زر برای مطلا نمودن گنبد حضرت امیر (ع) به نجف فرستاد. پس از اتمام آن، برای دیدار گنبد راهی عتبات شد. در جریان این سفر نیز جواهرات گرانبهائی را که با خود همراه داشت به حرم‌های مطهر تقدیم نمود (محمد کاظم مروی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۲۶۸-۲۷۶ و ۳۳۸، ج ۳، صص ۸۹۲-۹۳۰؛ میرزا مهدی خان استرآبادی، ۱۳۶۹، ص ۵۰۰؛ ابوالحسن قزوینی، ۱۳۶۷، ص ۱۵۴). در دوره زندیه هم علی مرادخان زند، قندیل زرین گرانبهائی را همراه با سایر هدایای گرانبهائی پیشکش حرم حضرت علی کرد (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹، ص ۶۵۹؛ حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۲۶؛ میرزا محمد کلانتر، ۱۳۶۲، ص ۸۲).

با استقرار قاجارها در ایران، پادشاهان این سلسله نیز هدایای ارزشمندی شامل اشیای زرین و سیمین و مرصع را پیوسته به عتبات ائمه اطهار در عراق می‌فرستادند. آقا محمدخان قاجار، گنبد امام حسین (ع) را مطلا نمود و ضریحی سیمین برای مضجع حضرت امیر (ع) تهیه و نصب نمود. جانشین وی (فتحعلی شاه) هم دو ضریح سیمین برای مراقد مطهر امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) در کربلا تهیه کرد. ضریح امام حسین (ع) در زمان خود فتحعلی شاه و ضریح حضرت عباس (ع) در زمان محمدشاه نصب شد (شیرازی (خاوری)، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۹۱۹؛ هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹، ص ۱۰۱، ۹۱ و ۲۴۶؛

۱. اعتماد السلطنه، منتظم ناصر، ۱۲۶۴، ج ۳، صص ۱۴۳ و ۱۴۱۰؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۷۰، ص ۲۷؛ سپهر، ۱۳۷۷، ج ۱-۲، ص ۵۶؛ هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹، صص ۲۴۱ و ۳۰۰.

قاجار، محمود میرزا، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵؛ قاجار، محمود میرزا، ۱۳۴۶، ص ۱۰؛ سپهر، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱۶؛ اعتضاد السلطنه، ۱۳۷۰، صص ۷۰ و ۷۱).

در جریان حمله وهابی‌ها و غارت خزانه امام حسین (ع)، بخش اعظم آثار و نفایس حرم‌های مطهر کربلا غارت شد. اما، خزانه حرم حضرت امیر (ع) در نجف، از تعرض وهابی‌ها در امان ماند (هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹، صص ۳۸۱ و ۳۸۲؛ سپهر، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۱۱۷ و ۱۱۸). دولت ایران، در برابر این اتفاقات واکنش نشان داد و فتحعلی شاه قاجار، به عنوان پادشاهی شیعی، در جریان قرارداد صلح خود با عثمانی‌ها، موضوع رسیدگی به خزانه حضرت امیر (ع) را به عنوان یکی از پیش شرط‌های شروع مذاکرات برای قرارداد صلح مطرح نمود. وی، شرط کرد خزانه حضرت امیر (ع)، که در جریان حمله وهابی‌ها از نجف اشرف به کاظمین منتقل گردیده بود، با نظارت معتمدین دولت ایران و تهیه صورت دقیقی از اموال خزانه، به نجف بازگردانده شود (هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹، ص ۶۱۹).

در جریان مسافرت ناصرالدین شاه قاجار به عتبات، جواهرات گرانبهایی توسط وی و خاندان سلطنتی به حرم‌های مطهر تقدیم شد. همچنین، پادشاه ایران درخواست رسیدگی به خزانه‌های عتبات را نمود و با موافقت سلطان عثمانی، خزانه حضرت امیر (ع)، پس از ۷۰ سال، با حضور نمایندگان دولت ایران و عثمانی بازگشایی و اموال آن سیاه‌برداری و نسخه‌ای برای دربار ایران و نسخه‌ای برای دولت عثمانی تهیه شد (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۲، صص ۲۳۷، ۲۳۹ و ۲۴۸).

دولت ایران، به عنوان تنها دولت شیعی در جهان اسلام، همواره خود را در رسیدگی به امور حرم‌های مطهر و خزائن آن مسئول می‌دانست و مراقب بود که دخل و تصرف ناروایی در خزائن ائمه صورت نپذیرد. با چنین احساس مسئولیتی، زمانی که خبر فتوای شیخ الاسلام عثمانی مبنی بر جواز فروش نفایس و جواهرات خزانه ائمه اطهار در عراق، به اطلاع دولت ایران رسید. دولتمردان ایران نسبت به انجام این اقدام واکنش سریع و شدیدی نشان دادند.

تصمیم دولت عثمانی برای تصاحب خزائن عتبات و چگونگی افشای آن

نخستین گزارش مربوط به تصمیم دولت عثمانی برای تصرف خزائن ائمه اطهار در عتبات عالیات، در آرشیو وزارت امور خارجه، سندی است با تاریخ ۱۳۲۸ ق. در این نامه، که به نظر می‌رسد خطاب به یکی از رجال مملکتی از شهر استانبول نگاشته شده است؛ نویسنده، ضمن بیان مشکلات موجود در روابط بین دو دولت ایران و عثمانی مدعی شده که ایامی که برای تحقیقات به کربلا رفته و با یکی دو نفر از مأموران آنجا طرح



دوستی ریخته و از قرائن سخنان آنان چنین دریافته که عثمانی‌ها تحت عناوین شرعی و اسلامی می‌خواهند جواهرات حضرات ائمه مدفونین عراق را به اسم ضروریات اسلامیہ تصرف کنند. نویسنده، در ادامه نامه استدلال می‌کند اگر جواز تصرف خزان ائمه اطهار در عتبات بنا به مصالح و مقتضیات مسلمین است، دولت ایران در این امر سزاوارتر است و از مخاطب نامه خواسته در این مورد به مقامات مربوطه اخطار نماید (استادوخ: GH 1329-K11-P46-16).

به نظر می‌رسد حدس نویسنده اشتباه نبوده، زیرا سندی در دست است که استفتائی وزارت اوقاف عثمانی از مقام شیخ الاسلام عثمانی را در خصوص جواز تصرف خزان ائمه اطهار را در یکی از روزنامه‌ها نشان می‌دهد. در این استفتائی آمده است که وزارت اوقاف از مقام شیخ الاسلام عثمانی استفتا کرده که آیا جوازی شرعی مبنی بر اینکه جواهرات موجود در اماکن متبرکه در عتبات عالیات فروخته شود و یک باب مدرسه در نجف و یک باب مریضخانه در کربلا ساخته شود، وجود دارد؟ مقام شیخ الاسلام جواب داده است که جواز شرعی هست (استادوخ: GH 1329-K11-P46-22).

همچنین، دو نامه از کارپرداز دولت ایران در بغداد، به تاریخ ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، در دست است که خطاب به وزارت امور خارجه ایران نگاشته شده. در نامه نخست یادآور می‌شود که مطلع گردیده شیخ الاسلام استانبول فتوا داده است جواهرات مشاهد مقدسه را بفروشد و مکتبخانه‌ای برای اطفال و یک مریضخانه بسازند (استادوخ: GH 1329-K11-P46-26)؛ و در نامه دوم خبر می‌دهد قنصل ایتالیا به دیدار او رفته و در ضمن صحبت‌هایش به وی گفته است که جواهرات مشاهد مقدسه صد هزار لیره و بلکه بیشتر ارزش دارد و ممکن است دولت عثمانی به آن جواهرات دست‌اندازی نماید (استادوخ: GH 1329-K11-P46-27). جواب این نامه‌ها مبنی بر اعلام وصول گزارش‌ها و صدور دستورات لازم از طرف وزارت امور خارجه برای انجام اقدامات لازم در تهران و استانبول در سند دیگری موجود است (استادوخ: GH 1329-K11-P46-25).

همزمان با انتشار متن استفتائی شیخ الاسلام عثمانی و جواب آن در روزنامه‌ها، عین همان استفتا را نیز متصرف (کارگزار) کربلا از طرف حکومت عثمانی از دو مرجع بزرگ شیعه ساکن عتبات عالیات در این ایام نموده است و آیات عظام خراسانی و مازندرانی پاسخ دادند چنین اقدامی شرعاً جایز نیست و عرفاً منافی با سیاست است. این خبر و گزارش، را یکی از روحانیون، به نام علی بن شیخ، به یکی از مقامات عالی رتبه ایران در تاریخ ۲۱ جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ نگاشته و از او درخواست جلوگیری از اقدام دولت عثمانی را نموده است. (استادوخ: GH 1329-K11-P46-17).



اقدامات دیپلماتیک دولت ایران برای جلوگیری از تصاحب خزائن

نخستین اقداماتی که از طرف دولت ایران مشاهده می‌شود، نامه‌ای است که از طریق سفیر ایران در سفارت کبرای ایران در استانبول، به تاریخ ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، خطاب به وزیر امور خارجه فرستاده شده است. البته، نویسنده یادآور شده این مطالب را پیش‌تر، به‌طور اختصار، از طریق تلگراف برای او ارسال کرده است. نامبرده، مدعی شده است اسماعیل حقی‌بیگ، از اعضای پارلمان عثمانی، که یک ماه است به وزارت معارف منصوب شده به‌خاطر اینکه مدتی به عراق سفر کرده و از احوال عراق و مشاهد متبرکه و خزائن و جواهرات آنها مطلع بوده مقدمات توجه عثمانی‌ها را به مداخله و تصرف آن خزائن فراهم کرده است و می‌خواهند به‌عنوان ایجاد تأسیسات خیریه از قبیل مریضخانه و مدارس در عتبات عالیات خزائن و جواهرات آنجا را تصرف نمایند و از طرف وزارت اوقاف از شیخ‌الاسلام استفتا کرده و شیخ‌الاسلام نیز جواز تصرف و مداخله را داده است. سفیر ایران در این نامه مدعی است از آنجا که «تمامه جواهرات و مکنوزات عتبات عالیات همه نذورات اهالی ایران و جماعت شیعی مذهبان قفقاز و هندوستان می‌باشد که تقدیم آن روضات مقدسه شده است» (استادوخ: GH1329-K11-P46-21) و با ظرافت وزیر امور خارجه ایران را به این نکته توجه داده است که دولت ایران می‌تواند برای پیشگیری از اقدام دولت عثمانی به استناد اینکه شیعیان قفقاز از اتباع دولت روس و شیعیان هندوستان از اتباع دولت بریتانیا محسوب می‌گردند پای دو دولت مقتدر روس و انگلیس را به میان بکشد. جالب توجه است که این مفهوم ظریف را علمای شیعه عتبات عالیات نیز دریافتند. چنانکه، در نامه علی‌بن‌شیخ آمده است که مقامات ایران «به سفرا روس و انگلیس این معنا را تفهیم کرده که آنها نیز به همان نحو رسماً تذکر بنویسند و البته با این اقدامات صحیحه سد این خیالات خواهد شد» (استادوخ: GH1329-K11-P46-17).

به‌دنبال نامه سفیر ایران در استانبول، خطاب به وزیر امور خارجه، وی از سفیر می‌خواهد که به‌شکل پسندیده‌ای اولیای دولت عثمانی را متوجه این نکته سازد که «در چنین موقعی که دولتین و ملتین اسلام باید به یکدیگر نزدیک شوند و در استحکام اساس یگانگی ساعی باشند» (استادوخ: GH1329-K11-P46-23) طرح این قبیل قضایا مسلماً اذهان عمومی را به‌کلی پریشان می‌سازد. وی، در ادامه می‌افزاید در چنین موقعیتی که دولت عثمانی در صدد نزدیک کردن دولت‌های اسلامی به یکدیگر است یک چنین اقداماتی نتیجه مطلوبی نخواهد داد (استادوخ: GH1329-K11-P46-23).

به‌نظر می‌رسد فرج‌الله، سفیر ایران در استانبول، مأموریت خویش را بسیار آگاهانه و مدبرانه انجام داده است. به‌طوری‌که در گزارش خود به وزیر امور خارجه بیان می‌دارد که در دیدارش با رفعت پاشا، وزیر امور خارجه عثمانی، به وی توجه می‌دهد که «در



موقعی که کافه ملله اسلامی با یک جنبش صمیمی به حبل المتین اتحاد اسلام متمسک می‌شوند و چشم مسلمان‌های اکناف عالم بحسن مناسبات ایران و عثمانی نگران است ابداً مصلحت دولت عثمانی نیست که دست تصرف بموقوفات و خزائنی که به اماکن متبرکه و ضرایح مقدسه عتبات عالیات مخصوص و منحصر است دست دراز بکنند و بدون شور و صوابدید حضرات علمای اسلام نجف اشرف که مرجع و مقتدای اقوام شیعه هستند فقط به یک فتوای شیخ الاسلام که صورت شرعی آنهم حرف و محل اشکال است موقوفات مذکوره را بانشای مدرسه و مریضخانه و یا بهر چیز دیگر که منافی نیت واقف بوده باشد صرف نمایند» (استادوخ: GH 1329-K11-P46-31). از آنجاکه وزیر امور خارجه عثمانی پس از استماع سخنان سفیر از صدور چنین فتوایی از طرف شیخ الاسلام عثمانی اظهار بی‌اطلاعی نموده بود؛ سفیر ایران از وی می‌خواهد که در مجلس شورای وزرا که با حضور شیخ الاسلام تشکیل می‌شود به شیخ الاسلام و سایر وزرا مسئله را ابلاغ نماید و «وزرای مالیه و اوقاف را از چنین خیالی که موجب اندراس مناسبات مابین مسلمانان شرق و غرب خواهد شد منصرف نماید» (استادوخ: GH 1329-K11-P46-23). از آنجاکه سفیر ایران توجه به این نکته داشت که بخشی از موجودی خزائن عتبات از هدایا و نذورات شیعیان هند و قفقاز بوده و در آن ایام دو حوزه هند و قفقاز در تصرف دو دولت مقتدر بریتانیا و روسیه بود. وی، در دیدارش با سفیر کبیر بریتانیا در استانبول، با طرح این مسئله سعی نمود از واکنش دولت بریتانیا در صورت بالا گرفتن این قضیه بین دولت ایران و عثمانی آگاه شود. سفیر، در این رابطه به سفیر بریتانیا اظهار داشت «در صورتی که عثمانی‌ها در تصرف خزائن عتبات عالیات اصرار بکنند البته دولت انگلیس هم به اندازه حق رعایای خودش همراهی خواهد کرد» (استادوخ: GH 1329-K11-P46-31). سفیر ایران امیدوار بود که با انجام اقدامات انجام شده دولت عثمانی از این کار منصرف شود تا «مقتضی نباشد که پای مداخله یک دولت غیرمسلمان بمیان بیاید اولیای دولتین علیتین بهتر از همه می‌دانند که در این ایام اخیر مساله اتحاد اسلام (پان‌اسلامیسم) در نظر دول اروپ چه اهمیتی پیدا کرده است محققاً اگر چیزی که بتواند ما بین دو شعبه بزرگ جهان اسلام اسباب برودت بشود دول اروپ عموماً و دولتهایی که تبعه مسلمان دارند خصوصاً از حدوث چنین حادثه باطنا ممنون خواهند بود» (استادوخ: GH 1329-K11-P46-31).

از مضمون نامه وزارت امور خارجه ایران در پاسخ به وزیرش در استانبول، به تاریخ ۲۸ جمادی‌الاولی ۱۳۲۹، چنین برمی‌آید که اقدامات و مذاکرات وزارت خارجه و سفارت ایران در استانبول مؤثر بوده است. با این‌همه، وزارت خارجه ایران از تصمیم مجدد عثمانی‌ها به تصرف خزائن عتبات عالیات کاملاً آسوده خاطر نشده بود؛ لذا



در پایان نامه خاطر نشان می‌کند که وزارت امور خارجه ایران به سفرای خود در پترزبورگ و لندن نوشته است که در صورت لزوم نسبت به مذاکره با دولت‌های روس و انگلیس اقدام کنند (استادوخ: GH 1329-K11-P46-30). نامه مذکور، به سفارت ایران در پترزبورگ و لندن، به تاریخ ۲۴ جمادی‌الاولی (یعنی چهار روز قبل) فرستاده شده و مؤید این مطلب است (استادوخ: GH 1329-K11-P46-39).

از آنجاکه نفوذ و قدرت معنوی مرجعیت شیعه و علمای ساکن در عتبات عالیات بر دولتمردان ایران و عثمانی پوشیده نبود، عثمانی‌ها پیشنهاد سفارت ایران در استانبول را، مبنی بر اینکه بدون فتوای حضرات آیات عظام در عتبات عالیات هرگز اقدامی نکنند، پذیرفتند (استادوخ: GH 1329-K11-P46-29).

این خبر توسط سفیر ایران در استانبول به وزارت خارجه و کارپردازی ایران در بغداد تلگراف شد و از طرف وزارت خارجه از کارپردازی ایران در بغداد خواسته شد فوراً مطالب را به آیات عظام در نجف و کربلا اطلاع دهند که مبدا عثمانی‌ها علماً را متقاعد کنند و به دستاویز فتوای شیخ‌الاسلام استانبول در خزانه مشاهد مقدسه تصرف نمایند (استادوخ: GH 1329-K11-P46-37؛ GH 1329-K11-P46-28؛ GH 1329-K11-P46-33). کارپردازی ایران در بغداد، به واسطه اطلاعات خفیه‌ای که از عمده‌التجار حاجی علی‌آقا تاجر تبریزی، که او هم از مهدی‌قلی شیروانی، تبعه روس، شنیده بود اطلاع داد والی پاشا معاون خود را پنهانی به نجف اشرف فرستاده تا با آیات عظام مذاکره کنند و بگویند بودن این جواهرات و اشیای نفیسه در خزانه ائمه اطهار حاصلی ندارد و اجازه دهند تا جهت احداث راهی بین خانقین و نجف اشرف برای آسایش و راحتی عبور و مرور زوار قبور ائمه اطهار هزینه گردد و به این شکل رضایت آنان را حاصل کنند. هرچند کاردار در صحت و سقم این خبر تردید داشت، به جهت اطمینان بیشتر با آقامیرزامهدی آیت‌زاده مکاتبه نمود و یادآور شد که مبدا مأمورین عثمانی خدمت آقایان القای شبهه کنند (استادوخ: GH 1329-K11-P46-30). در تعاقب آن، تلگرافی از جانب فرزند آیت‌الله خراسانی (آقامیرزامهدی) خطاب به وزارت امور خارجه ارسال شد که در آن تصریح شده خیالات دولت عثمانی مبنی بر بردن جواهرات خزائن مبارکه ائمه «محل تسامح و اغماض و سکوت نیست چون به اتفاق تمام مذاهب خمسه اسلامی، جواهرات و امثال آنها که مثل مستقلات و دارسکنی و نحو ذالک منفعت خارجیه بابقاء عین ندارد هرگز عنوان وقفیت پیدا نخواهد کرد و به تملیک مالک اصلی آن الی‌الابد باقی خواهد بود این جواهرات و نحوه تماماً بالفعل به تملیک مالکین اصلی باقی و عین مال اتباع دولت علیه ایران است. باید هیات حاضره دولتی که بعنوان حکومت ملیه حافظ حقوق ملت ایران است اموال تبعه خود را عیناً مال آنها و مملکت



ایشان باتفاق مذاهب اسلامیة باقی است نگهداری کنید و هرچند محاکمه دولتی متوقف باشند از این تصرف مخالف با ضرورت دین اسلام جلوگیری نمایند. حسب الامر حضرت آیت الله روحی فداء عرض شد» (استادوخ: GH 1329-K11-P46-34; Gh1329-K11-P46-35). نامه دیگری در آرشیو وزارت امور خارجه موجود است که در آن نویسنده آن (علی بن شیخ)، از طرف اعتماد الشریعه، نظر آیات عظام خراسانی و مازندرانی را در خصوص تصرف خزائن ائمه اطهار اینگونه بیان می‌دارد: «عدم جواز شرعاً و منافی با سیاست است عرفاً» (استادوخ: GH 1329-K11-P46-17). نویسنده، در ادامه نامه یادآور شده که «جواز تصرف از جانب شیخ الاسلام اسلامبول غیر موافق با قواعد شرعیة اسلامی و هم مخالف با سیاست حاضره و پلتیک امروزی است». او استدلال می‌کند این جواهرات یا از قبیل اوقاف است یا از قبیل هدایا، اگر از جنس اوقاف باشد به حکم شرع که فرموده است «الوقف علی حسب ما وقفه اهله و ایضا نظر الواقف کنص الشارح» (استادوخ: GH 1329-K11-P46-17) و تصرف و تبدیل در وقف مگر در مواردی که [از] شارع مقدس اذن رسیده باشد جایز نیست و در صورتی که وقف نباشد از قبیل هدایاست که ظاهر حال هم چنین است و در این صورت تصرف در آن جایز نیست «به جهت آنکه موقوف بر اذن مهدی‌له است و اذن مهدی‌له معلوم نیست خصوص بر مذاق اهل سنت و جماعت» (استادوخ: GH 1329-K11-P46-17). نویسنده نامه، مدعی است که وجه دیگر آن است که هدایای عتبات عالیات مثل هدایای کعبه است و «هدایای کعبه همانگونه که ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه روایتاً نقل کرده تبدیل و تصرف در آن جایز نیست». او، همچنین، قضیه را از بعد سیاسی بررسی می‌نماید و خاطر نشان می‌سازد که از نظر سیاست کنونی و حقوق ملت‌ها، امروز بر سرمداران ملل اسلام واجب است تا به تألیف قلوب مذاهب اسلام و اتحاد و اتفاق آنها مبادرت نمایند و این حرکت موجب نفرت قلوب همه شیعیان چه ایرانی و چه غیر ایرانی خواهد بود. همچنین، این حرکت مانع آورده شدن هدایا و تبرکات به خزائن ائمه خواهد شد و این با منافع عثمانی در تضاد خواهد بود. از طرفی، او زیرکانه و در لفافه هشدار می‌دهد که اگر دولت عثمانی به واسطه وجود کلیدداران این اموال، که از تبعه آن کشور می‌باشند، بخواهند در خزائن ائمه اطهار تعرض نمایند، از آنجاکه صورت جواهرات موجود در خزانه حضرت امیر (ع) توسط ناصرالدین شاه سیاهه برداری شده و در خزانه سلطنتی ایران موجود می‌باشد موجب رسوایی دولت عثمانی خواهد بود. وی، در ادامه متذکر می‌شود که اگر خیال تصرف در این اموال باشد، از آنجاکه بیشتر این اموال توسط ایرانیان هدیه شده است آنان به تصرف در آن سزاوارترند، زیرا این اموال از قبیل اموال منقوله است که حق دولت متبوعه صاحب مال است. وی در ادامه خواستار آن

می‌شود که این معنا را به سفرای دولتی روس و انگلیس نیز تفهیم کنند تا از این طریق از اقدام عثمانیان پیشگیری شود (استادوخ: GH 1329-K11-P46-17).

واکنش مجلس شورای ملی در مقابل اقدام دولت عثمانی

قضیه تصرف در خزائن عتبات عالیات از طرف مجلس شورای ملی نیز پیگیری شد. یکی از نمایندگان، به نام میرزا احمد قزوینی، از وزارت خارجه در خصوص اشتهاارات مطرح شده پیرامون تصرف در خزائن ائمه اطهار در عتبات عالیات توسط عثمانی و اقدامات دولت ایران در خصوص جلوگیری از این تعرضات سؤال نمود (کمام: ۲/۱۳۷/۹/۱/۲/۳۳) و طبق روال قانونی مجلس، رئیس مجلس شورای ملی با فرستادن سؤال نماینده مذکور به وزارت امور خارجه خواستار پاسخگویی وزیر امور خارجه به این سؤال شد (کمام: ۲/۱۳۷/۹/۱/۲/۳۳؛ استادوخ: GH 1329-K11-P46-32). وزیر امور خارجه، در جلسه ۲۳۸ مجلس دوم، در تاریخ ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۲۹، حاضر شد و در پاسخ به نماینده مزبور در بیان اقدامات انجام شده و نتایج به دست آمده اظهار داشت: «اطلاعاتی که به وزارت امور خارجه رسیده بود از بعضی مأمورین خودمان و بعضی اشخاص غیر رسمی بود یعنی از مأمورین خودمان در این خصوص بعضی اطلاعات رسیده ولی از اشخاص مختلفه هم اطلاع داده بودند و در این جا با سفارت کبری دولت عثمانی و صدارت دولت عثمانی در باب عالی مذاکره شده است و مطابق تلگرافی که اخیراً از سفارت دولت ایران از اسلامبول رسیده است دولت عثمانی از این مسئله منصرف شده است حالا به فتوای شیخ الاسلام رسمی داده یا نداده‌اند در خیال بودند یا نبودند عجالت که به طوری که سفارت صریحاً تلگراف کرده است که در این فقره به عالی مذاکره کرده‌اند دولت عثمانی از مسئله منصرف شده است» (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره دوم جلسه ۲۳۸).

نتیجه‌گیری

نظارت دولت قاجار بر مجموعه خزائن عتبات عالیات و حساسیت پادشاهان قاجار در قبال دخل و تصرفات دولت عثمانی به این دلیل بود که پادشاهان قاجار بر تنها کشور شیعه آن دوران حکومت می‌کردند و علاوه بر آن، به خوبی واقف بودند که بخش اعظم این خزائن هدایای پادشاهان و مردم ایران در طول تاریخ بوده است. در نتیجه، برای صیانت و حفاظت از این مجموعه‌های ارزشمند، احساس وظیفه و مسئولیت می‌کردند. در حالی که، دولت عثمانی بر عراق سلطه سیاسی داشت و بر همین اساس برای خود این حق را قائل بود که در مورد این خزائن و چگونگی استفاده از آنها تصمیم‌گیری نماید.



با مشاهده ضعف دولت قاجار و مشکلات داخلی دولت ایران، این تصور برای عمال دولت عثمانی ایجاد شد که دولت ایران مانند گذشته قادر نیست در عتبات عالیات اعمال نفوذ کرده و با سیاست‌های دولت عثمانی مخالفت نماید. در نتیجه، طرح جسورانه فروش این نفایس به بهانه هزینه کردن آنها برای امور عام‌المنفعه از طرح دولت عثمانی مطرح شد. ولی بررسی اسناد موجود نشان می‌دهد که این تصمیم دولت عثمانی در نتیجه هوشیاری و پیگیری‌های جدی اعضای وزارت امور خارجه ایران، که با همکاری و همراهی سایر مقامات عالی‌رتبه دولتی، مجلس شورای ملی و روحانیون شیعه توأم بود، ناکام ماند. وزارت خارجه ایران با زیرسؤال بردن ادعاهای سلطان عثمانی برای اتحاد جهان اسلام (پان-اسلامیسم) این اقدامات را نوعی تفرقه‌افکنی بین مسلمانان دانست و علاوه بر آن، برای منصرف نمودن دولت عثمانی زیرکانه دول روس و انگلیس را نیز در این قضیه درگیر نمود. آنها نیز مدعی شدند بخشی از این آثار را رعایای شیعه آنان در قفقاز و هندوستان به عتبات اهدا کرده‌اند و تصمیم‌گیری انحصاری دولت عثمانی را در این مورد به چالش کشیدند.

منبع

اسناد

اسناد آرشیو وزارت امور خارجه (استادوخ):

GH 1329-K11-P46-16

GH 1329-K11-P46-22

GH 1329-K11-P46-26

GH 1329-K11-P46-27

GH 1329-K11-P46-25

GH 1329-K11-P46-17

GH 1329-K11-P46-21

GH 1329-K11-P46-23

GH 1329-K11-P46-31

GH 1329-K11-P46-23

GH 1329-K11-P46-30

GH 1329-K11-P46-39

GH 1329-K11-P46-29

GH 1329-K11-P46-37

GH 1329-K11-P46-28

GH 1329-K11-P46-33

GH 1329-K11-P46-6

GH 1329-K11-P46-34

Gh1329-K11-P46-35

GH 1329-K11-P46-17

GH 1329-K11-P46-32

اسناد مجلس شورای ملی (کمام):

۲/۱۳۷/۹/۱/۲/۸۳

۲/۱۳۷/۹/۱/۲/۸۳

کتاب‌ها

- ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد (۱۳۸۹). *تاریخ طبرستان* (عباس اقبال آشتیانی، مصحح). تهران: اساطیر.
- استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۶۸). *تاریخ جهانگشای نادری*. تهران: دنیای کتاب.
- اعتضاد السلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰). *اکسیرالتواریخ* (جمشید کیان فر، مصحح). تهران: انتشارات ویسمن.
- اعتماد السلطنه (۱۳۶۴). *تاریخ منتظم ناصری* (۳ ج). (محمد اسماعیل رضوانی، مصحح). تهران: دنیای کتاب.
- اعتماد السلطنه (۱۳۶۷). *مرآت البلدان* (۳ ج). تهران: نشر اسفار.
- الحسینی، خورشاه بن قباد (۱۳۷۹). *تاریخ ایلیچی نظامشاه* (محمد رضا نصیری، کوئیچی هانه دا، مصححان). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- الحسینی القمی، قاضی احمد بن شرف الدین الحسین (۱۳۸۳). *خلاصه التواریخ* (۲ ج). (احسان اشراقی، مصحح). تهران: دانشگاه تهران.
- امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳). *فتوحات شاهمی* (محمد رضا نصیری، مصحح). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲). *تاریخ عالم آرای عباسی* (۲ ج). (ایرج افشار، کوششگر). تهران: امیر کبیر.
- جهانگشای خاقان* (۱۳۶۴). (الله دتا مضطر، مقدمه نویس). اسلام آباد: مرکز تحقیقات ایران و پاکستان.
- حسینی استرآبادی، میر حسین بن مرتضی (۱۳۶۴). *تاریخ سلطانی (از شیخ صفی ناشاه صفی)* (حسین اشراقی، کوششگر). تهران: علمی.
- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن (۱۳۶۷). *فارسانامه ناصری* (۲ ج). (منصور رستگار فسایی، مصحح). تهران: امیر کبیر، ۲ جلدی.

- سپهر، محمدتقی لسان الملک (۱۳۷۷). *ناسخ التواریخ* (ج ۳). (جمشید کیان فر، کوششگر). تهران: اساطیر.
- شاملو، ولی قلی بن داوود قلی (۱۳۷۱). *قصص الخاقانی* (سیدحسن سادات نصری، مصحح). تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شاه عباس *مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی* (۱۳۶۶). (عبدالحسین نوائی، کوششگر). تهران: زرین.
- شیرازی (خاوری)، میرزا فضل الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین، نامه خاقان* (ج ۲). (ناصر افشار فر، مصحح). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی (لوح فشرده).
- عبدالطیف قزوینی، یحیی (۱۳۸۶). *لب التواریخ* (میرهاشم محدث، مصحح). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳). *تاریخ جهان آرا*. تهران: حافظ.
- غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹). *گلشن مراد* (غلامرضا مجد طباطبایی، کوششگر). تهران: زرین.
- قاجار، محمود میرزا (۱۳۴۶). *سفینه الم محمود* (ج ۱). (عبدالرسول خیامپور، مصحح). تبریز: دانشکده ادبیات تبریز.
- قاجار، محمود میرزا (۱۳۸۹). *تاریخ صاحبقرانی* (نادره جلالی، مصحح). تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- قایا، دلیک (۲۰۰۸). *کربلاء فی الارشیف العثمانیه*. بیروت: الدار العربیه للموسوعات.
- قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷). *فوائد الصفویه* (مریم میراحمدی، مصحح). تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل (۱۳۶۲). *مجمع التواریخ* (عباس اقبال، مصحح). بی جا: انتشارات کتابخانه سنایی و ظهوری.
- مروی (وزیر مرو)، محمد کاظم (۱۳۷۴). *عالم آرای نادری* (ج ۳). (محمد امین ریاحی، مصحح). تهران: علمی، نشر علم.
- مستوفی، محمد حسین (۱۳۷۵). *زیده التواریخ*. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- ملا جلال الدین منجم (۱۳۶۶). *تاریخ عباسی* (روزنامه ملاجلال). (سیف الله وحیدنیا، کوششگر). بی جا: وحید.
- میرزا محمد کلانتر فارس (۱۳۶۳). *روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس* (عباس اقبال آشتیانی، مصحح). تهران: کتابخانه طهوری و سنایی.
- ناصرالدینشاه (۱۳۷۲). *شهریار جاده‌ها (سفرنامه ناصرالدینشاه به عتبات)* (محمد رضا عباسی، پرویز بدیعی، کوششگران). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹). *روضه الصفا*. قم: کتابفروشی های مرکزی خیام، پیروز.